

از سید مرتضیٰ خاوری (۱۸)

شانها و مسؤولیتها می قرآنی

علی بن ابی طالب  
حضرت خدیجه کبری

عَلَيْهِمُ  
السَّلَامُ

مادر حضرت ابوبکر

سلام

# باصادقان

سایت رسمی جناب آقای غلامرضا صادقی فرد

# صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي حَمَلَةِ الْفَهْرَاءِ

# وبلاگ

« اعلام برنامه مناسبت های مذهبی  
« انتشار محتوای ارائه شده در مناسبت های مختلف  
« نگاهی دقیق و تازه به تاریخ اسلام  
« بررسی اعتقادات شیعه و شبهات وارد شده

پرسش و پاسخ



فروشگاه



وبلاگ



پخش زنده





برای دریافت فایل‌های صوت،  
متن و پاورپوینت مربوط به  
مباحث مطرح شده در این شبها  
می‌توانید به پایگاه اینترنتی

[www.sadeqifard.com](http://www.sadeqifard.com)

مراجعه کنید.



شب هشتم محرم ۱۴۴۴



السلام عليك يا أبا عبد الله  
وعلى الأرواح التي حلت بفنائك  
السلام على الحسين  
وعلى علي بن الحسين  
وعلى أولاد الحسين  
وعلى أصحاب الحسين

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ \* قُمْ

اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا \* نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا \* أَوْ

زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا \* إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ

قَوْلًا ثَقِيلًا \* إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ

﴿قِيلًا﴾.

سورة مزمل ١/ تا ٦.

قال رسول الله ﷺ

ان لقتل الحسين (ع) حرارة في قلوب المؤمنين  
لا تبرئ ابداً

كَذَّبَ الْمَوْتُ **فَالْحُسَيْنُ** مُحَمَّدٌ

كَلَّمَا أَخْلَقَ الزَّمَانَ تَجَدَّدَ

إِنَّ سَيْفَ **الْحُسَيْنِ** حَيًّا وَمَيِّتًا

يَحْسِمُ الْكُفْرَ مُغَمَّدًا وَمُجَرَّدَ





به حرم تا که تورا از سفرت آورند  
پدر پیر تورا پشت سرت آوردند

چقدر در سر راهم پر خونین دیدم  
چه بلایی به سربال و پیرت آوردند

چنگ ها جوشن و خوود و سپرت را بردند  
در عوض هر چه که می شد به سرت آوردند

نیزه های که هنوز از نوکشان می ریزد  
لخته خون های گلویت خبرت آوردند

تا در آغوش کشم جسم تورا بار دگر  
تکه تکه تنی از دور و بربت آوردند

آخرین عضو تو وقتی به حرم آید شکر  
مادرت نیست بگویم پسرت آوردند

حسن لطفی

## زيارت حضرت على اكبر عليه السلام در نيمه رجب:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّدِيقُ الطَّيِّبُ، الزَّكِيُّ الْحَبِيبُ الْمُقَرَّبُ، وَابْنُ رَيْحَانَةِ رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهِيدٍ مُحْتَسِبٍ. وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. مَا أَكْرَمَ مَقَامَكَ، وَأَشْرَفَ مُنْقَلَبَكَ! أَشْهَدُ لَقَدْ شَكَرَ اللَّهُ سَعْيَكَ وَأَجْزَلَ ثَوَابَكَ، وَالْحَقَّكَ بِالذَّرْوَةِ الْعَالِيَةِ، حَيْثُ الشَّرْفُ كُلُّ الشَّرْفِ، وَفِي الْغُرْفِ السَّامِيَةِ، كَمَا مَنْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ، وَجَعَلَكَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ، وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا.

## زيارت حضرت على اكبر عليه السلام در نيمه رجب:

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. فَاسْتَفَعُ أَيُّهَا السَّيِّدُ  
الطَّاهِرُ إِلَى رَبِّكَ، فِي حَظِّ الْأَثْقَالِ عَنْ ظَهْرِي، وَتَخْفِيفِهَا عَنِّي. وَارْحَمْ  
ذُلِّي وَخُضُوعِي لَكَ، وَلِلسَّيِّدِ أَبِيكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمَا. (ثُمَّ انْكَبَّ عَلَى  
القَبْرِ وَقُلْ): زَادَ اللَّهُ فِي شَرَفِكُمْ فِي الْآخِرَةِ، كَمَا شَرَّفَكُمُ فِي الدُّنْيَا،  
وَأَسْعَدَكُمُ كَمَا أَسْعَدَ بِكُمْ. وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَعْلَامُ الدِّينِ، وَنُجُومُ  
العَالَمِينَ. وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

از سید مرتضیٰ خاوری (۱۸)

شانها و مسؤولیتها می قرآنی

علی کرمی  
حضرت خدیجه کبری

عَلَيْهِمُ  
السَّلَامُ

مادر حضرت ابوبکر

سلام

از تفسیرها ما خود را (۱۸)

حضرت خدیجه کبری

علیها السلام

سلاسل الفای قول تفصیل به پیامبر رحمت

## دو سورهٔ مکی از سوره‌های اول رسالت عنی

سورهٔ «مزمل» و «مدثر»، دو سوره از سوره‌های مکی قرآن است که در سالهای اول رسالت عنی خاتم پیامبران بر او نازل شده است. بسیاری از علمای عامه با نقل روایتهایی بر آن بوده و هستند که این دو سوره را به عنوان اولین سوره‌هایی معرفی کنند که بر پیامبر رحمت نازل شده است. فاصلهٔ این ادعاها و واقعیت، البته بسیار زیاد است.

## آغاز هر دو سوره، خطاب به پیامبر رحمت

خدای حکیم در هر دو سوره، پس از ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾، پیامبر رحمت را مورد خطاب قرار داده است. یکی با ندای ﴿يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ﴾ و دیگری با ندای ﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ﴾. این دو ندا، هر یک، یک آیه از این سوره‌ها را تشکیل داده است.



## فرمانهایی به پیامبر رحمت در ادامه آیات

به طور طبیعی، آیات بعد از این دو آیه، باید در همین ارتباط باشد که این گونه نیز هست. در هر دو سوره، بعد از این خطابها، فرمانهایی خطاب به خاتم پیامبران صادر شده که اتصال قطعی این آیات را نشان می دهد.

از سید مرتضیٰ قزوینی (۱۸)

آیاتی چند در ذکر ویژگیها و امتیازهای حضرت خدیجه

۲۵: ﴿إِنَّا سَنُلْقِيْ عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلاً﴾

سلام الله ابد امان

امربه شب زنده داری در بخش بزرگی از «اللیل»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ \* قُمْ اللَّيْلَ  
إِلَّا قَلِيلًا \* نِصْفَهُ أَوْ أَنْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا \* أَوْزِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ  
الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا \* إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا \* إِنَّ نَاشِئَةَ  
الَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلًا \* إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا  
طَوِيلًا \* وَادْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا .

سوره مزمل ۱ تا ۸ .

## یک شب خاص یا هر شب

«اللیل» در این آیات، می‌تواند به یک شب خاص و یا به هر شبی اشاره داشته باشد. اگر مقصود از «اللیل» یک شب خاص باشد، پیامبر رحمت باید در یک شب خاص این فرمان را اجرا کند و اگر چنانچه مقصود از «اللیل»، تمام شبها باشد، این شب زنده‌داری باید تکرار شود.

## تمام شب به جز بخش کمی از آن

بر مبنای ﴿قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ تمام شب به جز بخش کمی از آن، مشمول این بیداری است و بر مبنای ﴿نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا \* أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾ این بخش کمی می‌تواند تا حدود نیمی از شب، گسترش داشته باشد و در این موضوع تفاوتی نمی‌کند که «الف و لام اللیل» از چه نوع «الف و لامی» باشد.

# ترتیل قرآن

فعالیت پیامبر رحمت در این بیداری شبانه در خود آیه  
مشخص شده است. بر اساس عبارت: ﴿أَوْزِدْ عَلَيْهِ  
وَرْتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً﴾، ترتیل قرآن - آن هم به صورتی  
کامل - تنها وظیفه‌ای است که برای پیامبر رحمت در  
این ساعات بیداری مشخص شده است.

## خبر از فعالیت بسیار طولانی در طول روز

آیه: ﴿إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا﴾ که در ادامه همین آیات آمده، مشخص می‌کند که پیامبر رحمت در طول روز فعالیت بسیار طولانی خواهد داشت که خدای حکیم آن را «طویل» می‌خواند. این فعالیت نیز به خود آن حضرت اختصاص دارد و هیچ یک از مؤمنان در این فعالیت با او شریک نیستند.

## هر روز یا یک روز خاص

در آیه: ﴿إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا﴾ - که خبر از فعالیت می دهد که توسط خاتم پیامبران به انجام می رسد و یا باید که به انجام برسد - «نهار» همانند «لیل» در ﴿قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا﴾، دارای «الف و لام» است و به همین خاطر باید پذیرفت که مقصود از «النهار» نیز یا یک «نهار خاص»، یا «همه نهارها» و یا «هر نهار» است.



# الف و لامها، الف و لام عهد است

در صورتی که این «الف و لامها»، «الف و لام جنس» باشند، باید پذیرفت که خدای حکیم به پیامبرش فرمان می‌دهد، به خاطر آن که در طول همه روزها تو کار بسیار مهم و طولانی داری باید تمام شبها حداقل حدود نیمی از شب را بیدار باشی و آن را به ترتیل بگذرانی.

یعنی...

بر اساس فرمان: ﴿قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ پیامبر رحمت تنها در یک شب خاص باید برای انجام فرمان این آیات، به پا خیزد و بر اساس فرمان: ﴿إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا﴾ نیز او در یک روز ویژه به این امر اقدام می کند و یا باید اقدام کند، که این روز، حتماً روز بعد از آن شب خاص است.

از نسیب پرده ها عاشورا (۱۸)

تزیین قرآن

سلامتی برای سببیت فواد حساساتم پیامبران

# فرمان به قرأت قرآن

در پایان همین سوره، دو بار خدا به پیامبر رحمت و مؤمنان با فرمان ﴿فَأَقْرءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾ به قرأت قرآن فرمان داده اما او در هیچ آیه‌ای از این سوره و سایر سوره‌ها، به مؤمنان فرمان نداده است تا به «ترتیل» قرآن پردازند. **گویا این تکلیف، تکلیفی بسیار ویژه است.**

# خبر از وقوع واقعه‌ای عظیم در زندگانی پیامبر

اختصاص و انحصار موجود در این آیات، از وقوع واقعه‌ای عظیم در این برهه از زندگانی خاتم پیامبران، خبر می‌دهد؛ به ویژه آن که بلافاصله بعد از فرمان: ﴿... وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً﴾ عبارت: ﴿إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا﴾ آمده و وجود «إِنَّ» در آغاز این عبارت، برهانی بر این واقعیت است که آن یک، مقدمه‌ای برای این یک است.

«ترتیل قرآن» توسط خودِ خدا انجام می‌شود

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ

الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ

فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا﴾

سوره فرقان / ۳۲.

## ترتیل قرآن، راهی برای تثبیت فؤاد خاتم پیامبران

﴿لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ﴾ در آیه: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا﴾،

یک جمله با فعل مضارع است که نشان می‌دهد، **خدا به خاطر «تثبیت فؤاد خاتم پیامبران»**، قرآن را به صورت تدریجی نازل و آن را با تأکید «ترتیل» کرده است.

## مقدمه‌ای برای القای قول ثقیل

در آن شب خاص، «فؤاد پیامبر رحمت» باید تثبیت شود و برای تثبیت آن، راهی به جز «ترتیل کامل قرآن» و شاید «ترتیل کامل قرآن کامل» وجود ندارد و این «ترتیل» باید توسط خود آن حضرت به انجام برسد.



از نسیب پیرانا ماسخورا (۱۸)

اتفاق کے قول نسیب

در شب اسراء

سلام

## یک شب خاص منحصر بفرد

«الف و لام اللیل» در ﴿قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ «الف و لام تعریف» است و بر این مبنا، «اللیل» در تمام زندگانی خاتم پیامبران به یک شب خاص منحصر می شود. البته نباید فراموش شود که: این شب و اعمالی که باید در آن انجام شود، تنها به خاتم پیامبران اختصاص و انحصار دارد.

# دو شب ویژه در زندگانی خاتم پیامبران

۱. «شب قدر» که هر ساله تکرار می‌شود و هم برای خاتم پیامبران ممتاز است و هم برای مؤمنان اگر چه این دو امتیاز با یکدیگر بسیار متفاوت است.
۲. «شب اسراء» که شبی منحصر به فرد و غیر تکراری در زندگانی خاتم پیامبران است و تنها به آن حضرت اختصاص دارد.

## آماده سازی پیامبر رحمت برای اسراء

قبل از آن که «شب اسراء» فرا برسد خدای حکیم به عبد مطیع مرتضایش با نام «مزمل» خطاب کرد و به او فرمان داد تا که حدود نیمی از شبی را که در پیش دارد، به ترتیل قرآن بپردازد و به او خبر داد که پس از آن، او را به «اسراء» می برد و «قولی ثقیل» را به او القا می کند.

از نسیب پرده ها عاشورا (۱۸)

نسبیت فوادى عظم

برای القای قوی و فصل

## اثر تجلی خدای حکیم بر کوه

﴿وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي  
أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَاكَ وَلَكِنِ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ  
اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي **فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ**  
**جَعَلَهُ دَكًّا** وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ  
تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ . سورة اعراف / ۱۴۳ .

تلاش مفسران برای قرآن سازی مقصود از «قول ثقیل»

﴿لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا

مُتَّصِدًّا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ

نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ . سورة حشر / ۲۱ .

عظمت «فؤاد خاتم پیامبران»

﴿وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ \* نَزَلَ بِهِ

الرُّوحُ الْأَمِينُ \* عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ

الْمُنذِرِينَ \* بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ﴾

سوره شعراء، ۱۹۲ تا ۱۹۵.



## ترتیل چنین قرآنی، مقدمه‌ای برای «القای قول ثقیل»

این وضعیت قرآن و نزول آن بر کوه‌ها و بر قلب خاتم پیامبران است اما وضعیت «قول ثقیل» از این حدود، بسیار فراتر است و نباید از خاطر‌ها به دور ماند که «ترتیل این قرآن با این عظمت» به عنوان مقدمه‌ای برای «القای آن قول ثقیل به خاتم پیامبران» و برای تثبیت هر چه بیشتر قلب آن حضرت، تعریف شده است.



## قول ثقیل به قرآن اطلاق نمی‌شود

از آن جا که این آیات، خودش آیاتی از قرآن است و قبل از این آیات نیز آیات بسیاری نازل شده است، به هیچ عنوان نمی‌توان اظهار کرد که مقصود از «قول ثقیل» - یعنی قولی که در آینده قرار است نازل شود - قرآن و یا آیه‌ای از قرآن است؛ به ویژه آن که «قول ثقیل» تنها و تنها به یک «قول» اطلاق می‌شود.

## ترتیل کامل قرآن، مقدمه‌ای برای القای قول ثقیل

مقدمه بودن «ترتیل قرآن» برای «القای قول ثقیل»، بر منبای این آیات، قطعی است و به این جهت، لازم است مشخص شود که «قول ثقیل» چیست که برای القای آن، وجود چنین مقدمه‌ای آن هم برای پیامبری با آن ظرفیت مثال زدنی، لازم است.

﴿إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا﴾ یک تعبير تفخیمی

تعبیر: ﴿إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا﴾ یک تعبير تفخیمی

است زیرا القا کننده «قول ثقیل» خدای جهانیان و فرد

است و در چنین حالتی به کار رفتن جمع متکلم \_ به

ویژه با وجود «إِنَّا» در آغاز این جمله و تبدیل جمله فعلیه به

جمله اسمیه، تفخیم در تعبیر را به همراه خواهد داشت.

تفاوت این تعبیر با تعبیر غیر تفخیمی از همین واژه

﴿سُنِّقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا  
أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَهُمْ  
النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ﴾.

سوره آل ابی طالب (=آل عمران) ۱۵۱.

## نه قرآن و نه هیچ وحی قرآنی دیگری

«سُنُّلِقِي» یک تعبیر استقبالی خالص و بدون استمرار است و گذشته و حال را شامل نمی‌شود و تنها خبر از القای می‌دهد که در آینده قرار است انجام شود. این عدم استمرار، برهانی قاطع بر این حقیقت است که قرآن و وحی‌های مربوط به قرآن نمی‌تواند موضوع «القاء» ﴿إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا﴾ باشد.

## قولی بسیار مهم و پر عظمت

وجود تنوین در تعبیر «قولاً»، آن را مفرد و نکره ساخته و نشان می‌دهد که مقصود از آن، تنها یک قول تعریف نشده است که این قول، یا قولی کوچک و کم اهمیت و یا قولی بسیار مهم و پر عظمت است. البته به شرط آن که «قول» با صفت «ثقیل» نیامده باشد.



کاربرد «کلمه» برای وجودی مانند حضرت عیسی

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا

عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقُّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ

مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ الْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ

مِنْهُ... ﴿ سورة نساء / ۱۷۱.

## تعبير از حضرت عيسى با «كَلِمَةً مِنَ اللَّهِ»

﴿... \* إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ

مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا

وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ \* وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا

وَمِنَ الصَّالِحِينَ \* قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ

يَمَسَّسْنِي بَشْرٌ...﴾ . سورة آل أبي طالب (= آل عمران) ٣٨/ تا ٤٧.

تعبير از حضرت يحيى با «مُصَدَّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ»

﴿هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً  
إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ \* فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي  
الْمِحْرَابِ أَنْ اللَّهُ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى مُصَدَّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا  
وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ \* قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ  
بَلَغَنِي الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ﴾

## وصف ارادهٔ خدا برای هر امری

این آیات علاوه بر آن که جایگاه حضرت عیسی را به عنوان «كَلِمَةً مِّنَ اللَّهِ» و جایگاه حضرت یحیی را به عنوان «مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِّنَ اللَّهِ» مشخص می‌کند، خبر از آن می‌دهد که این دو آفرینش، از نظر نظام عالم ناشدنی بوده و تنها با ارادهٔ خاص خدا به انجام رسیده است.

«قول رب» با اراده‌ای این گونه

البته برای «قول رب» با اراده‌ای این

گونه، باید جایگاه ویژه‌ای را در نظر

گرفت که در همین آیات، در نظر

گرفته شده است.

## اثر «قول» در این دو آفرینش

﴿يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ  
سَمِيًّا \* قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ  
بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا \* قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَى هَيْنٍ وَقَدْ  
خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا \* ... وَأذْكَرُنِي الْكِتَابِ مَرِيَمَ  
إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا \* فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا  
فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا \*

## اثر «قول» در این دو آفرینش

\* قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَانِ مِنْكَ إِنَّ كُنْتُ تَقِيًّا \* قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ

رَبِّكَ لِأَهَبَ لَكَ غُلَامًا زَكِيًّا \* قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ

يَمَسَّسَنِي بَشْرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا \* قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَىٰ هَيْئٍ

وَلَنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا \* ... \* ذَلِكَ عِيسَى

أَبْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ \* مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ

سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿۳۵﴾ . سورة مريم ۷ تا ۳۵ .

خدای عالمیان به این حقیقت تصریح کرده که:

انجام این امور و انجام هر امری در عالم، با

«قول» مبارکِ «کُنْ»، قطعی است و یعنی

فاصله‌ای میان «اراده» و «قضای خدا» و

«شدن»، وجود ندارد.



اثر «كُنْ» در ولادت و ممات

﴿هُوَ الَّذِي يُبَيِّتُ وَيُمْبِتُ فَإِذَا

قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ

فَيَكُونُ﴾

سوره غافر، ۶۸.

یعنی:

نتیجہٴ این قولِ خدا و نیز نتیجہٴ القای  
این کلمہٴ او، ولادتِ خاص و منحصر بہ  
فردِ حضرتِ عیسیٰ و نیز حضرتِ یحییٰ  
است.

از نیکو پرده تا مانتورا (۱۸)

# عکس و نقیض انفاسی قول یس

سلام اللہ ابد امان

## دلالت قول و قول ثقیل

کلمه کوچکترین جزء یک جمله است. گاهی لازم است تا چند کلمه کنار هم گذاشته شود تا از آنها جمله کاملی به وجود آید. همین وضعیت برای «قول» و «جمله» نیز وجود دارد. برای این پایه‌ها، عظمت قولی را که بر اساس ﴿إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا﴾ قرار است به پیامبر رحمت القا شود، تنها خدای عالمیان و انانی می‌دانند که خدای حکیم آگاهشان کرده است.

# قیامت «ثقیل» است

إِنَّ هُوَ لَآءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ

سوره انسان / ۲۷.

وَرَاءَهُمْ **يَوْمًا ثَقِيلًا**.

# علت ثقیل بودن قیامت

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا  
عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي  
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً...﴾

سوره اعراف، ۱۸۷.

تعبیر از انسانها و جنیان با واژه «ثقلان»

﴿سَنْفِرُكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ \* فَبِأَيِّ آلَاءِ

رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ﴾

سوره رحمان ۳۱ و ۳۲.

باید پذیرفت و دانست که:

«قول ثقیل» به هر صورتی در آفرینش اعمال و  
القا شود و هر اثری از آن آفریده شود، عنوان  
«ثقیل» - و به تعبیر قرآنی، عنوان «ثقل» - را بر  
اثر حاصله باقی خواهد گذارد.



## اثر قول ثقیل، ثَقَل و یا ثقیل است

«قول ثقیل» در تمام آفرینش یک قول بیشتر نیست  
که آن «قول» با فخامت هر چه بیشتر از سوی خدای  
جهانیان به خاتم پیامبران القا می شود و اثری که از  
این القا پدید می آید، «ثقیل» و «ثَقَل» است؛ ثقیلی که  
به خاتم پیامبران نسبت داده می شود.

از تفسیر تاج العوار (۱۸)

اتفاقے قول نقل

علیٰ بن ابی موسیٰ

و

سلام اللہ علیہ اٰلہٖ وَاٰلِہٖ وَسَلَّمَ  
ناشتہ این

## «نشو» و «نما»

«نشو» و «نما» برای فارسی زبانان نیز تعبیر شناخته شده‌ای است تا چه رسد به آنان که عرب زبان هستند. در «نشو» سخن از ایجاد و در «نما» سخن از رشد مطرح است.

تعبیر «انشاء» برای مفهومی مانند «خلقت»

﴿وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَاءُ يُدْهِبْكُمْ

وَيَسْتَخْلِفَ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا

أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةِ قَوْمٍ آخِرِينَ﴾

سوره انعام، ۱۳۳.

تعبیر از خلقت همه انسانها

﴿وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ

وَاحِدَةٍ...﴾

سورة انعام / ۹۱.

هم برای خلقت اولیه و هم برای احیای بعد از موت

﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ  
يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ \* قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي  
أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ﴾

سوره یس / ۷۹.

## تعبیر «انشاء» برای آفرینش

در این آیات و در آیات بسیار دیگری از کتاب خدا، تعبیر «انشاء» برای آفرینش به کار رفته و «انشاء» فعلی از باب افعال و یک مفعولی است. بنا بر این، **فعل مجرد این ماده، به صورت لازم به کار می‌رود. یعنی «ناشئة»** \_ که اسم فاعل از «نشأ» است \_ **به معنی «پدید آمده» و یا «به وجود آمده» است.**

## « انشاء » و « خلق »

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ \* ثُمَّ  
جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ \* ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ  
عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا  
فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ **أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ** فَتَبَارَكَ  
اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾.

سوره مؤمنون / ۱۲ تا ۱۴.



## «ناشئة الليل» و «مخلوق الليل»

تعبیر «ناشئة» در حالی که «اسم فاعل» است، از یک مفهوم مفعولی برخوردار است و به معنای «مخلوق» به کار می رود اما باید دانست، تفاوت بسیاری میان تعبیر «ناشئة الليل» و «مخلوق الليل» وجود دارد.

## ایجاد ناشئه اللیل در اثر القای قول ثقیل

«ناشئه اللیل» با «القای قول ثقیل» ارتباطی عظیم دارد و این ارتباط از وقوع آیه: ﴿إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً﴾ بعد از ﴿إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا﴾ و جایگاه «إِنَّ» در این آیه، به خوبی دانسته می شود. بر این مبنا، ﴿... نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً﴾ به منزله علت ﴿... سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا﴾ است.

از نیکو پرده تا ما خورا (۱۸)

# عکس ناتمام

سلام الله ابد ابا

# تجزیه و ترکیب‌های مختلف برای یک آیه

تجزیه و ترکیب آیات، همیشه به این صورت نیست که یک صورت و یک وجه بیشتر نداشته باشد بلکه اقتضای متنی که به عنوان یک متن ادبی معرفی می‌شود که از نظر فصاحت و بلاغت در بالاترین حد قرار دارد این است که تجزیه و ترکیب‌های مختلفی برای جملات آن قابل ارائه است.

## یادی از استاد عزیزم

روزی به پدر، سرور و استاد عزیزم آیه الله حاج شیخ محمد رضا جعفری عرض کردم: من از آیه ﴿إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلًا﴾ این گونه دریافت کرده‌ام که **آن چه در دل شب در ذهنها**

**تثبیت می‌شود، اثر پیاپا تری دارد** و به این سبب، مدت‌هاست برای خواندن درسهای ضروری دانشگاه از این روش استفاده می‌کنم، اول شب می‌خوابم و بعد بیدار می‌شوم و در دل شب درس می‌خوانم. استاد مرا تشویق کرد و فرمود: درک خوبی است.

## «ناشئة الليل»، بخش آغازین شب!

ترکیب «ناشئة الليل»، ترکیب عجیب و نسبتاً پیچیده‌ای است اگرچه پیچیدگی خاصی در آن مشاهده نمی‌شود. این ترکیب، یک مضاف و مضافُ‌إلیه است و یعنی باید برای «اللیل» «ناشئه»‌ای را در نظر گرفت.

## وجودی عظیم در زندگانی خاتم پیامبران

حال اگر چنانچه قرار باشد، ترکیب به همین صورت و به همین سادگی و بساطت مورد نظر قرار گیرد، **باید** برای «اللیل» وجود عینی پر عظمتی تعریف شود زیرا که خدای حکیم در آیه، «ناشئة اللیل» را به عنوان وجودی تعریف کرده که آثار بسیار عظیمی دارد.

وجودی که در شب ایجاد می شود

بر اساس یکی از تحلیلها و ترکیبها، «فأشئة الليل»  
یعنی «وجودی که در شب ایجاد می شود». در  
چنین حالتی، یا باید کلمه‌ای را در تقدیر  
گرفت و یا باید ادعا کرد که این ترکیب از نوع  
«إضافة مضاف به ظرف» است.



## لیلی که ناشئه است

در تحلیل دیگری از این ترکیب، تعبیر «ناشئة الليل»، به عنوان «اضافه صفت به موصوف» و یا «اضافه موصوف به صفت» مورد نظر قرار می گیرد. در ترکیب اول، «اللیل» موصوف و «الناشئة» صفت و یعنی این ترکیب به مفهوم «لیلی است که ناشئه است».

در این حالت باید پذیرفت که...

«یک لیل مشخص» پس از «القای قول ثقیل»،  
صفت «ناشئه» را به خود می‌گیرد و یعنی **در**  
اثر «القای یک قول ثقیل و با عظمت به خاتم  
پیامبران»، «این لیل» ایجاد می‌شود.

## ناشئه‌ای که ناشناخته می‌ماند

اگر «الناشئة» موصوف و «اللیل» صفت باشد،  
آن چه به دنبال «القای قول ثقیل» بر خاتم  
پیامبران ایجاد می‌شود، ناشئه‌ای با صفت اللیل  
است که در این صورت، به ناشناخته ماندن  
این ناشئه و محو بودن آثار او نیز اشاره شده است.

ناشئه‌ای که ناشناخته می‌ماند

﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ

وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ

رَبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ

شَيْءٍ فَصَّلْنَا تَفْصِيلًا﴾ .  
سوره اسراء / ۱۲.

رابطه این همانی میان «ناشئه» و «اللیل»

به هر حال و با وصفی که گذشت، در

هر دو حالت، می‌توان میان «ناشئه» و

«اللیل» رابطه این همانی نوشت و یا این دو

را با ارتباطی ویژه مورد بررسی قرار داد.

گاهی این گونه نیز نقل می شود

«... رَوَى ابْنُ أَبِي مُلَيْكَةَ، قَالَ سَأَلْتُ ابْنَ

عَبَّاسٍ وَابْنَ الزُّبَيْرِ عَنِ نَاشِئَةِ اللَّيْلِ، فَقَالَ:

**اللَّيْلُ كُلُّهُ نَاشِئَةٌ».**

تفسیر رازی ج ۳۰ / ۶۸۴.

## نکته‌ای بسیار مهم

در هر دو حالت از این تحلیل، یعنی در حالتی که این ترکیب اضافه صفت به موصوف و یا اضافه موصوف به صفت باشد، «اللیل»، موجودی معرفه و مشخص و بلکه موجودی منحصر به فرد است.

## واژه «ناشئه»، مؤنث و واژه «اللیل» مذکر است

واژه «ناشئه»، مؤنث و واژه «اللیل» مذکر است و نباید فراموش شود که صفت و موصوف در مذکر و مؤنث بودن، باید از یکدیگر تبعیت کنند. این خود به آن مفهوم است که با «اللیل» معامله مؤنث شده و در این صورت باید پذیرفت که این واژه بر وجودی دلالت دارد که آن وجود، مؤنث است و با ضمیر «هی» به آن اشاره می شود.



# الف و لام اللیل، الف و لام تعریف

«الف و لام اللیل» در ﴿إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلًا﴾ در هر حالتی «الف و لام عهد» است و یعنی «اللیل» یک شب مشخص و معین است. مهمتر این که این موضوع، خودش می‌تواند برهانی بر این واقعیت نیز باشد که «الف و لام اللیل» در ﴿قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ نیز «الف و لام عهد» است.

## فراموش نشود که:

«اللیل» به دنبال «القای قول ثقیل» به پیامبر  
رحمت»، جامه وجود را برتن کرده و به همین  
سبب، انتساب «اللیل» به خاتم پیامبران  
مسلم است و تردید نخواهد پذیرفت.

وجودی ممتاز وابسته به القای قول ثقیل

«ناشئة الليل»، «اللیل» ویا «ناشئة»، به وجود  
مؤنث، ممتاز و منحصر به فردی اشاره می‌کند  
که پدیداری و آفرینش او وابسته به «القای  
قول ثقیل» به خاتم پیامبران است.

از چندین نام فاضل (۱۸)

عکس مسمی  
سازگاری تمام و کمال  
ناشته لیلیل با المنزل

سلام الله ابد امان

هماہنگی عظیم میان «ناشئۃ اللیل» و خاتم پیامبران

«أَشَدُّ وَطْئًا» در آیه: ﴿إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا

وَأَقْوَمُ قِيلًا﴾ از هماہنگی عظیمی خبر می دهد کہ

میان «ناشئۃ اللیل» و خاتم پیامبران وجود دارد؛ ہم

او کہ خدایش در آغاز سوره اورا بانندای ﴿يَا أَيُّهَا

الْمُزَّمِّلُ﴾ مورد خطاب قرار داده است.

## واژه‌ای برای مطابق سازی و یا تطابق

﴿إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضِلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا  
يُحِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِيُؤَاطِبُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ  
فِيحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زِيِّنَ لَهُمْ سُوءَ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا  
يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾

سوره توبه / ۳۷.

تعداد ماه‌های حرام از آغاز آفرینش آسمانها و زمین

﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي  
كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا  
أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ  
أَنْفُسَكُمْ...﴾

سوره توبه/ ۳۶.

صَلَّى اللهُ  
عَلَيْهِ وَآلِهِ

یکی از روایتهای بسیار پر تکرار از قول رسول خدا

«... لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ

اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ فِيهِ رَجُلًا مِنْ

وُلْدِي، يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي، يَمْلَأُهَا عَدْلًا وَقِسْطًا

كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا».

روضه الواعظین ص ۲۶۱.



## «يُوَاطِيُ اسْمُهُ اسْمِي»

تعبیر «يُوَاطِيُ اسْمُهُ اسْمِي» به این مفهوم است  
که نام وجود مبارک حضرت مهدی \_ که خدا  
باقیمانده غیب او را بر ما ببخشد \_ همان نام  
مبارک خاتم پیامبران است. این مفهوم از واژه  
«یواطی» دانسته می شود.

# نهایت سازگاری و تطابق

«ناشئة الليل» جان خاتم پیامبران است. حال اگر چنانچه پیامبر رحمت، مزمل باشد او مزمل است، اگر مدثر باشد او مدثر است، اگر احمد باشد او احمد است، اگر محمد باشد او محمد است، اگر طه باشد او طه است، اگر یس باشد او یس است، اگر ذکر باشد او ذکر است، اگر عبد الله باشد او عبد الله است، اگر نون باشد او نون است و اگر چنانچه قلم باشد او نیز قلم است.

## ثبوت هر صفت حسنائی یکی، برای دیگری

همین هماهنگی از طرف «ناشئة اللیل» نیز وجود دارد. اگر او راضیه و مرضیه باشد، خاتم پیامبران نیز راضی و مرضی است و اگر چنانچه او صدیقه باشد، پیامبر رحمت نیز صدیق است و اگر چنانچه او مطهره باشد، پیامبر رحمت نیز مطهر است.

تعبیر «هِيَ أَشَدُّ وَطْأً» مطلق است

سازگاری «ناشئة الليل» با خاتم پیامبران در

تمام جهات، «أشد» است؛ آن هم «اشد»ی

که خدای جهانیان - که آفریدگار عالمیان

است - آن را «أشدُّ وَطْأً» می خواند.

## «اشد» صفت تفضیلی و یا صفت عالی

«اشد» می تواند صفت تفضیلی و یا صفت عالی باشد.  
در حالت اول باید مشخص کرد که «ناشئة اللیل»  
از چه چیزی با جان خاتم پیامبران سازگارتر است و در  
حالت دوم باید پذیرفت که **اواز هر چیزی با جان**  
**خاتم پیامبران سازگارتر است.**

## تعیین کننده خدای جهانیان است

تعیین این که چه چیزی با جان خاتم پیامبران سازگار و یا سازگارتر است تنها و تنها باید توسط خدای جهانیان صورت بگیرد. او هم «ناشئه» را به خوبی می شناسد و هم «اللیل» را و هم خاتم پیامبران را و در عالم، تنها او و آنانی از این علم آگاهی دارند که خدای حکیم آنان را آگاه کرده است.

## معرفی موارد مورد مقایسه توسط خدای حکیم

در کتاب خدا هر جا لازم بوده، خدای حکیم خودش  
موارد مورد مقایسه را معرفی کرده و یافتن آن را به  
عهده خوانندگان نگذاشته است. برای نمونه، در آیه:  
﴿عَآئِنُّمُ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءِ بَنَاهَا﴾ خدای حکیم این  
مقایسه را میان مخاطبان و آسمانها انجام داده است.

شدیدتر از شما از نظر قدرت...

﴿كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ

مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا

وَأَوْلَادًا...﴾

سوره توبه / ۶۹.



باید آن را «صفت عالی» دانست

﴿فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلِّفُ إِلَّا نَفْسَكَ  
وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ  
الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا﴾

سوره نساء/ ۸۴.

## عالی بودن دو صفت «أشد» و «أقوم» در آیه

در این آیه و آیات قبل و بعد، قید و قرینه‌ای وجود ندارد که مشخص کند «ناشئة اللیل» از چه فردی و از چه چیز یا چیزهایی با پیامبر رحمت سازگارتر است. این در حالی است که هیچ وجودی جز خدا و آنان که خدا آگاهشان کرده است از «ناشئة اللیل» و از پیامبر خدا آگاهی ندارد تا جهت برتری «ناشئة اللیل» را مشخص کند.

## عالی بودن دو صفت «أشد» و «أقوم» در آیه

از سویی دیگر، «ناشئة الليل» یک وجود منحصر به فرد در تمام عالم است و با هیچ وجودی قابل مقایسه هم نمی باشد و در نهایت، هیچ وجودی از عالمیان، به جز آنان که خدای حکیم آنان را جان پیامبر رحمت خوانده، با خاتم پیامبران قابل مقایسه نیست.

از تفسیرها و تفسیرها (۱۸)

بنا بر این، باید پذیرفت...

«ناشئة الليل» از هر نظر با خاتم پیامبران،

سازگارترین است؛ سازگارترین وجود در

تمام عالمیان؛ سازگارترینی که با

امضای خداوند سازگارترین است.

## دلالت و هدایت: ﴿... هِيَ ... أَقْوَمُ قِيلاً﴾

عبارت: ﴿... هِيَ ... أَقْوَمُ قِيلاً﴾، با استحکام هر چه بیشتری آیه: ﴿إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً﴾ را به آیه: ﴿إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا﴾ متصل می‌کند و به روشنی هر چه تمامتر خبر از این واقعیت می‌دهد که **ایجاد کننده «ناشئه اللیل» همان «قول ثقیلی» است که خدای حکیم آن را به خاتم پیامبران القا کرد.**

از نسیب پرده ما خورا (۱۸)

# عکس ولادت

سلام الله ابدًا ما

«ثقلین» تعبیری بدیع و عظیمی

سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ \* فَبِأَيِّ آلَاءِ

سوره رحمان / ۳۱ و ۳۲.

رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ.

## لزوم وجود سنخیت در تثنیه و جمع

«ثقلان» و «ثقلین»، تثنیه است و در تثنیه و جمع،  
حتماً سنخیت و جنسیت مشترک لازم است.

یعنی تا جنس قرآن و عترت و نیز تا جن و انس  
جنس مشترکی نداشته باشند، نمی توان با تعبیر

«ثقلان» میان آنها را جمع کرد.



اگر یکی همیشه باشد، دیگری نیز همیشه است

بقای تعبیر «ثقلین» به بقای هر دو «ثقل» است و اگر چنانچه یکی از این دو «ثقل» همیشه باشد، دیگری نیز همیشه است. این مطلب، البته دلالت کاربرد تعبیر ثنیه است حتی اگر به عدم جدایی آنها تصریح نشده باشد، تا چه رسد به آن که در کلام خاتم پیامبران به این امر مهم تصریح نیز شده است.

«اهل بیت پیامبر رحمت» برای همیشه وجود دارند

کتاب خدا، برای همیشه وجود دارد و برای همیشه  
کتاب خداست و باید حکم کرد که «اهل  
بیت پیامبر رحمت» نیز برای همیشه وجود دارند و  
برای همیشه «اهل البیت» هستند، نه تنها برای  
برههٔ خاص و کوتاهی از زمان.

آیات «سوره مزمل» از ولادت «ثقلین» بحث می کند

آیه: ﴿أُوْرِدُ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيْلًا﴾ از ولادت قرآن و

آیات: ﴿إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيْلًا \* إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ

هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيْلًا﴾ از ولادت «ناشئه الليل»

بحث می کند که «ام الأئمة النجبا» و «ام

أبيها» ست.

## قرآن و عترت، هر دو قول الله است

سنخیت و اتحاد جنسیت عظیمی نیز در منشأ  
«ثقلین» وجود دارد. قرآن «قول الله» است و «ناشئة  
اللیل» نیز «قول الله» است که خدای حکیم با  
وصف «ثقیل» آن را توصیف کرده است.

## با تمام تلاش برای هدم آیه، پذیرفته‌اند که...

تمام مفسران \_ و شاید بتوان ادعا کرد که حتی بدون یک استثنا \_ تلاش کرده‌اند تا این گونه وانمود کنند که مقصود از «قول ثقیل» در ﴿إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا﴾، قرآن است و صد البته که قرآن نمی‌تواند موعود این آیه باشد اما این تلاشها نشان از آن می‌دهد که نزد این دانشمندان، منشأ قرآن، «قول ثقیل» است.

## هدایت همین آیه در کنار «حدیث ثقلین»

«ناشئة الليل» وجود مبارک حضرت زهراى  
مرضیه، ام الأئمة النجبا و ام ابیهاست \_ که  
سلام و صلوات خدا بر یکایک آنان باد \_ و این  
آیه از ولادت آن حضرت خبری روشن می دهد.

از نسیب پرده ها عاشورا (۱۸)

عاشق کبری  
جایگاه حضرت خدیجه کبری در این آیات

سلام الله ابد امان

کلمة اللى كه خدا اورا به حضرت مریم القا کرده است

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا  
الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا  
إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهَوْا  
خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهُ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ...﴾

سوره نساء/ ۱۷۱.



## جایگاه حضرت مسیح

این آیه علاوه بر آن که روشنگر جایگاه حضرت مسیح و ارتباط عظیم او با خدای جهانیان است، جایگاه حضرت مریم را نیز تعریف می‌کند. او پذیرشگر «کلمة الله» است؛ همان کلمة اللهی که خدا القایش کرده است. بخشی از عظمت حضرت مریم به «تلقى کلمة الله» ارتباط می‌یابد.

## جایگاه حضرت خدیجه در «پذیرش قول ثقیل»

حضرت زهراى مرضیه، فرزند رسول خدا و  
حضرت خدیجه کبراست که به دنبال «القای  
قول ثقیل» به خاتم پیامبران، لباس بشری برتن  
کرده است: ﴿إِنَّا سَأَلْنَاكَ قَوْلًا ثَقِيلًا \* إِن  
نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلًا﴾.

## جایگاه حضرت خدیجه در «پذیرش قول ثقیل»

بنا بر این، نمی‌توان از جایگاه حضرت خدیجه در «القای قول ثقیل» چشم‌پوشی کرد؛ جایگاهی که در ماجرای حضرت عیسی تمام آن به حضرت مریم اختصاص یافته است.

یعنی این نکته را نیز باید پذیرفت که:

«قول ثقیل» به حضرت خدیجه کبری نیز القا شده است؛ خواه این القا بدون واسطه و توسط خدای جهانیان صورت گرفته باشد و خواه توسط خاتم پیامبران این «قول ثقیل» به آن حضرت القا شده باشد.

شاید این ویژگی، بخشی از تصدیق به کلمات رب باشد

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ ...

\* وَمَرْيَمَ ابْنَةَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا

فَفَخَّنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا

وَكُتِبَ لَهُ وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ﴾ . سورة تحریم / ۱۲ .

# مقتل حضرت علي أكبر عليه السلام

قالوا: ثم تقدم علي بن الحسين عليه السلام قالوا: ورفع الحسين عليه السلام سبابتة نحو السماء وقال: اللهم اشهد علي هؤلاء القوم فقد برز إليهم غلام أشبه الناس خلقا وخلقا ومنطقا برسولك، كنا إذا اشتقنا إلى نبيك نظرنا إلى وجهه، اللهم امنعهم بركات الأرض، وفرقهم تفريقا، ومزقهم تمزيقا، واجعلهم طرائق قديدا، ولا ترض الولاية عنهم أبدا، فإنهم لينصرونا ثم عدوا علينا يقاتلوننا.

# مقتل حضرت علي أكبر عليه السلام

ثم حمل علي بن الحسين عليهما السلام علي القوم وهو يقول:

أنا علي بن الحسين بن علي \* من عصابة جد أبيهم النبي

والله لا يحكم فينا ابن الدعي \* أظعنكم بالرمح حتى ينثني

أضربكم بالسيف أحمي عن أبي \* ضرب غلام هاشمي علوي

# مقتل حضرت علي أكبر عليه السلام

فلم يزل يقاتل حتى ضج الناس من كثرة من قتل منهم . وروي أنه قتل على عطشه مائة وعشرين رجلا . ثم رجع إلى أبيه وقد أصابته جراحات كثيرة ، فقال : يا أبا العطش قد قتلني ، ثقل الحديد أجهدني ، فهل إلى شربة من ماء سبيل أتقوى بها على

الأعداء ؟ فبكى الحسين عليه السلام



## مقتل حضرت علي أكبر عليه السلام

وقال: يا بني يعز علي محمد صلى الله عليه وآله وعلى علي بن أبي طالب  
طالب وعلي أن تدعوهم فلا يجيبوك، وتستغيث  
بهم فلا يغيثوك، يا بني هات لسانك، فأخذ  
بلسانه فمصه ودفن إليه خاتمه،

# مقتل حضرت علي أكبر عليه السلام

وقال عليه السلام: أمسكه في فيك وارجع إلى قتال عدوك

فإني أرجو أنك لا تمسي حتى يسقيك جدك بكأسه

الأوفي شربة لا تظماً بعدها أبداً، فرجع إلى القتال

## مقتل حضرت علي أكبر عليه السلام

فلم يزل يقاتل حتى قتل تمام المائتين ، ثم ضربه  
منقذ بن مرة العبدي لعنه الله على مفرق رأسه ضربة  
صرعته ، وضربه الناس بأسيا فهم ، ثم اعتنق صلوات  
الله عليه فرسه فاحتمله الفرس إلى عسكر الأعداء  
فقطعوه بسيوفهم إربا إربا .

فروغ چشم من از چشم نیزه ها افتاد  
عصای پیری من زیر دست و پا افتاد  
عزیز یوسف من چنگ گرگها حس کرد  
ز بس که رونق یعقوب قصه ها افتاد  
به زخم نیزه ای از روی اسب از پهلو  
مرا به خاک جگر گوشه ریخت تا افتاد

از نسیب پیران ما خورا (۱۸)

نه قطعه قطعه فقط... نقطه نقطه ات کردند

تنت به پهنه ی این دشت تا کجا افتاد

سلام الله ابد امان

خدا كُنْدَ كِه خِطَايِ نِگَاهِ مَن بَاشَد

كِه اَز تَمَامِ تَنَتِ چِنْد تَكِه جَا اِفْتَادِ

مِیَانِ هَلْهَلَه وَ خَنْدَه هَا كَمِ اُورْدَمِ

بِه سَاَنِ مَحْتَضِرِي كِه زَتَنِ وَا اِفْتَادِ

بَلَنْدِ شُو پَسْرَمِ كِه دُو چِشْمِ نَا مَحْرَمِ

بِه خَاكِ چَا دَرِ نَا مَوْسِ كَبْرِيَا اِفْتَادِ

تورا به دست گرفته به آسمان بدهد

گل محمدی اش را به باغبان بدهد

که برگهای تورا يك به يك جدا کردند

بغل گرفته به زهرا تورا نشان بدهد

تورا بریده بریده صدا کند... ولدي

اگر که هلله ها يك کمي امان بدهد

بغل گرفته تورا و تن تومی ریزد

خودت بگو که چگونه تورا تکان بدهد

بلند شو پدرت را به خیمه برگردان

و گرنه پیش تن زخمی تو جان بدهد

بلند شو به لبش بوسه دوباره بده

و گرنه بعد تو بوسه به خیزران بدهد

محسن حنیفی





اللَّهُ

به کشته ی بین قتلگاه / به حق اطفال بی پناه

عجل لولیک الفرج

اللَّهُ

به گریه های خون خدا / کنار بی دست کربلا

عجل لولیک الفرج

اللَّهُ

به لحظه ای که شاه غریب / تکیه به نیزه داد بی

حبیب

عجل لولیک الفرج

اللَّهُ

به خواهری که شد ناامید / پشت سر حسین می دوید

عجل لولیک الفرج

نفس نفس به نیت، منتقم اهل حرم خدایا

قرار ما حسینیا، باب القبلة اربعین ایشالا

«لبیک اباعبداللہ»



السلام عليك يا صريع الدمعة الساكبه


يا صاحب المصيبة الراتبه

اباعبد الله

گشته عزادارت خدا يا حسين

با گريه ميزنم صدا يا حسين

ارواحنا لك الفدا يا حسين



برای دریافت فایل‌های صوت، متن و  
پاورپوینت مربوط به مباحث مطرح شده  
در این شبها می‌توانید به پایگاه اینترنتی

[www.sadeqifard.com](http://www.sadeqifard.com)

مراجعه کنید.